



جغرافیا و روابط انسانی، پاییز ۱۳۹۸، دوره ۲، شماره ۲، پیاپی ۶

نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه پایدار روستایی

بهمن خسروی پور^۱، زینب اسدی^۲

۱- استاد و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۶

چکیده

توسعه روستایی از مهم‌ترین موضوعات مطرح در دهه‌های اخیر بوده است. جوامع انسانی با همه امکانات و تدابیر خود می‌خواهند به این هدف نایل شوند و در این راستا سازمان‌ها و نهادهای مختلفی در این عرصه فعالیت می‌کنند. از جمله نهادهای تسهیل‌گر در فرایند توسعه جوامع در عصر جهانی شدن سازمان‌های مردم‌نهاد و غیر دولتی موسوم به (NGO) می‌باشند. سازمان‌های غیردولتی برای مشارکت جامعه و دولت است. این سازمان‌ها از طریق همکاری مردم با هم، با دولت و بخش خصوصی، در بسیاری از زمینه‌ها بستر ساز توسعه و رشد جامعه می‌باشند و به عنوان بازوی قدرتمند در کنار سازمان‌های دولتی امکانات لازم را برای توسعه پایدار روستایی فراهم می‌نمایند. توسعه پایدار روستایی عبارتست از وحدت میان ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی به منظور بالا بردن سطح معیشت و رفاه مردم روستایی است. پژوهش حاضر که به روش مروری و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایت‌های اینترنتی تهیه شده تلاش دارد نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه پایدار روستایی را ارائه نماید.

کلید واژه: جامعه مدنی، سازمان‌های مردم‌نهاد، توسعه، توسعه روستایی پایدار

مقدمه

توسعه روستا و سامان‌دهی به وضعیت روستاییان، در چند دهه اخیر به یکی از دغدغه‌های متولیان و پژوهشگران این رشته تبدیل شده است (فیروزآبادی و جعفری، ۱۳۹۵). آنچه امروزه در مورد توسعه‌ی مناطق روستایی مطرح است، توسعه پایدار روستایی است. توسعه‌ای که بتواند نیازهای کنونی بشر را تامین کند بدون آنکه توان‌های محیطی و زیستی نسل‌های آینده را در تامین نیازهایشان به مخاطره اندازد (شایان و همکاران، ۱۳۹۰). در ایران در ۵۰ سال اخیر، روستاهای ایران دستخوش انواعی از سیاست‌های دولتی بوده‌اند که منجر به تحولات شگرفی در روستا شده، به طوری که جمعیت روستایی کشور از سهم دو سوم در اواخر دهه ۵۰، به یک سوم سهم در اواخر دهه ۸۰ رسیده است. در این میان استفاده از ظرفیت‌های مشارکت‌ساز سازمانهای مردم‌نهاد، مسیر روشنی را در جهت توسعه اجتماع محور روستایی، به ویژه در مناطق محروم ایجاد می‌کند. یکی از دلایل پیدایش این تشکل‌ها ناکارآمدی برخی از سازمانهای دولتی در انجام امور بوده است (فیروزآبادی و جعفری، ۱۳۹۵). سازمانهای مردم‌نهاد به عنوان نهاد‌هایی که بر اساس همسویی اهداف و نیازهای افراد جامعه برای نیل و تحقق آرمانها و اهدافی مشترک تشکیل می‌شوند، از این توانایی برخوردارند که جوامع را برای رسیدن به رشدی پویا و پایدار از طریق ارتقا سطح بهداشت، سلامت و محیط زیست، آموزش، فرهنگ، مبارزه با فقر و از بین بردن نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی یاری رسانند. از سوی دیگر نقش اساسی و محوری روستاها به ویژه در کشورهای در حال توسعه به دلیل وابستگی شدید فرآیند توسعه پایدار ملی به توسعه پایدار روستایی و ساختار اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این کشورها حایز اهمیت می‌باشد (شهاب و همکاران، ۱۳۹۳). سازمان‌های جامعه مدنی به عنوان بازیگران اجتماعی نقش موثری در طراحی راهبردهای ملی برای فقرزدایی، خدمت‌رسانی، دفاع از حقوق بشر و نظارت بر دولت به منظور مهار فساد و آسیب‌های اجتماعی در مدیریت کشور دارند (عبداللهی و بشری‌موسوی، ۱۳۹۴).

جامعه مدنی

جامعه مدنی نه در کشورهای توسعه یافته و نه در کشورهای در حال توسعه پدیده‌ای تازه نیست، اما در سال‌های اخیر مفهوم جامعه مدنی به طور عام و دموکراسی به طور خاص مورد استفاده قرار گرفته است. واژه جامعه مدنی، از سنت لیبرالیسم و به وسیله جان لاک برای تشریح انفکاک جامعه از دولت ظهور کرده است. این واژه همچنین از سنت اروپای قدیم به منظور وجه تمایز بین دولت و جامعه گسترش یافته است (شکوری، ۱۳۹۰). جامعه مدنی مجموعه ویژه‌ای از نهادهای مختلف غیر دولتی است که می‌تواند مانع از تسلط



دولت بر جامعه و فعال‌سازی سایر بخش‌های جامعه شود (ذوالفقاری و همکاران، ۱۳۹۶). موضوع جامعه مدنی، از هزاران سال پیش آغاز شده و هنوز در محافل اندیشمندان جهان ادامه دارد که این نشانگر آرمان‌گرایی و کوشش انسان‌ها، برای دست یافتن به جامعه‌ای متعالی است (ملکزاده و هاشمی، ۱۳۹۵). سازمان‌های جامعه مدنی مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی را کانالیزه کرده و آنها را از طریق سازماندهی در گروه‌های قدرتمند برای تأثیرگذاری بر فرایند خط مشی‌گذاری تقویت می‌کند (رزمی و همکاران، ۱۳۹۴). در یک جامعه دموکراتیک، مشارکت یا صدای شهروندان در انتخاب یک دولت پیش شرط هر دموکراسی است (یوسف و همکاران، ۲۰۱۶).

سازمان‌های مردم نهاد

سازمان‌های مردم نهاد پس از جنگ جهانی دوم و در سال ۱۹۴۹ و بر اساس ماده ۷۱ منشور سازمان ملل متحد ایجاد شده که واکنشی به نیاز برای نقش مشورتی سازمان‌هایی بود که نه دولتی بودند و نه خصوصی. نقش این سازمان‌ها در توسعه جهان بعد از جنگ جهانی دوم بسیار مهم بوده، آنها عموماً نقش قابل توجهی در سیاست‌های ملی، فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و همچنین ارزیابی و درک مشکلات در مسائل ملی و بین‌المللی از قبیل معضلات بشری، سیاسی، حقوق زنان، توسعه اقتصادی، دموکراسی، ایمن‌سازی، بهداشت و درمان و محیط زیست دارا هستند (شهاب و همکاران، ۱۳۹۳). سازمان‌های غیر دولتی، از طریق میانجیگری میان بخش‌های عمومی و خصوصی، تمام سازمان‌های مدنی را پوشش می‌دهند که به طور آزادانه بر اساس اراده شهروندان تشکیل می‌شود (سیلینسکیته، ۲۰۱۳). سازمان‌های مردم نهاد، سازمان‌هایی با شخصیت حقیقی مستقل، غیردولتی و غیرانتفاعی‌اند که برای انجام فعالیت‌های داوطلبانه با گرایش‌های غیرسیاسی بر اساس قانون، اساسنامه مدرن رعایت چارچوب موضوع کشور و مفاد آیین‌نامه‌های اجرایی فعالیت می‌کنند (جلالی و همکاران، ۱۳۹۴). در زبان و ادبیات فارسی اصطلاح *Non Governmental Organization* به صورت اختصاری *NGO* و با مفهوم «سازمانی که بدون وابستگی‌های اداری و مالی به دولت برای تأمین منافع عمومی فعالیت می‌کند» مطرح و در نهایت معادل «سازمان‌های مردم نهاد» با صورت اختصاری «سمن» به تصویب رسید (چکنی و حسنی، ۱۳۹۷). سازمان‌های غیردولتی یا سمن‌ها (سازمان‌های مردم نهاد) در رایج‌ترین تعریف به سازمان‌های خصوصی اشاره دارد که برای رفع گرفتاری‌ها و آلام مردم و ارتقاء سطح زندگی ایجاد می‌شوند و در کاهش معضلات اجتماعی نقش اساسی بر عهده دارند سازمان‌های غیردولتی گروه‌های داوطلبانه فردی یا

1 -Yousaf et al

2 -Šitlinskytė

سازمانی عمدتاً غیرانتفاعی هستند که معمولاً وابسته به هیچ دولتی نبوده و در سطح محلی، ملی یا بین‌المللی برای خدمت‌رسانی و یا سیاست‌گذاری عمومی شکل گرفته‌اند (رازقی و لطفی خاچکی، ۱۳۹۷). سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان سازمان‌های غیررسمی در هر نظام اجتماعی با هدف جلب مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود از طریق توانمندسازی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌توانند نقش موثری را ایفا نمایند (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷). ارائه تعریفی جامع از سازمان‌های مردم‌نهاد قدری مشکل است زیرا این سازمان‌ها افزون بر کارهای متعدد (همچون حقوق بشر، محیط زیست، توسعه و...) دارای منشأ پیدایش متعدد نیز است. تعاریف متعددی از سازمان‌های مردم‌نهاد به عمل آمده که برخی ویژگی «خصوصی بودن» و برخی «غیرانتفاعی بودن» را مطرح کرده‌اند (چکنی و حسنی، ۱۳۹۷). یکی از دلایل این امر این است که سازمان‌های غیردولتی گروهی متنوع از سازمان‌ها هستند که از تعمیم دادن، از گروه‌های غیررسمی کوچک تا سازمان‌های رسمی بزرگ دفاع می‌کنند. سازمان‌های غیردولتی نقش‌های متفاوتی ایفا می‌کنند و اشکال مختلف را درون جوامع مختلف و در جوامع مختلف دارند (لوئیس، ۲۰۱۰^۳). سازمان‌های مردم‌نهاد، متشکل از گروهی از افراد داوطلب است که بدون وابستگی به دولت و به صورت غیرانتفاعی و عام‌المنفعه با تشکیلات سازمان‌یافته، در جهت اهداف و موضوعات متنوع فرهنگی، اجتماعی، خیریه‌ای، تخصصی و صنفی فعالیت می‌کنند (فیروزآبادی و جعفری، ۱۳۹۵).

منشأ پیدایش و ویژگی‌های سازمان‌های غیردولتی

سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد (سمن‌ها)، جمعیت‌ها، گروه‌ها و نهادهای انسانی خودجوش و برآمده از بطن جامعه هستند که با فعالیت‌های غیرانتفاعی و داوطلبانه در جهت رفع معضلات اجتماعی و خدمت‌رسانی عمومی فعالیت می‌کنند و برترین امتیاز خود را استقلال از دولت تدوین کرده‌اند. سازمان‌های مردم‌نهاد از جمله سازمان‌های مدنی، تازه تأسیس و نوپایی هستند که با مشارکت داوطلبانه شهروندان دارای انگیزه، برای فعالیت گروهی در قالب یک سازمان با هدف خدمت برای توسعه و رفاه اجتماعی فعالیت گردیده‌اند (وروایی و همکاران، ۱۳۹۵). نکته قابل توجه در خصوص ویژگی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد این است که هر چند این سازمان‌ها از نظر منشأ پیدایش و اهداف و همچنین عرصه‌های فعالیت جغرافیایی و عملکرد با یکدیگر جمع نمی‌شوند اما عمدتاً دارای ویژگی‌های زیر هستند (چکنی و حسنی، ۱۳۹۷):



• **داوطلبانه:**

این سازمانها را مردم به صورت داوطلبانه به وجود می آورند. عضو پذیرند و برای عضویت در آنها شرایط خاصی جز پذیرش مفاد اساسنامه و علاقه مندی در آن سازمان وجود ندارد.

• **خودگردانی:**

سازمانهای غیردولتی، از نظر مالی خودگردان هستند. هرچند مکان دارد از دولت، افراد خیر و سازمانهای بین المللی و ... کمکهایی دریافت کنند. با اینحال این کمکها نباید موجبات وابستگی آنها را به منابع کمک کننده فراهم کند.

• **مدیریت دموکراتیک و مشارکتی:**

ماهیت مردمی سازمانهای غیردولتی اقتضا می کند که فرایند اداره آن از پایین به بالا و مشارکتی باشد. این ویژگی سبب می شود که اعضا همواره بر عملکرد مدیران نظارت داشته و مدیران پاسخگوی عملکردشان در برابر اعضا باشند (مرادی، ۱۳۹۴).

• **ویژگی غیردولتی:** عدم وابستگی به دولت و نهادهای حاکمیتی، عدم دخالت دولت و نهادهای حاکمیتی در تاسیس، اداره و استمرار، عدم فعالیت مقامات و مسئولان و کارکنان دولتی و نهادهای حاکمیتی با استفاده از جایگاه حقوقی خود به عنوان مؤسس یا عضو (چکنی و حسنی، ۱۳۹۷).

• **ویژگی غیرانتفاعی:** "سازمان غیر انتفاعی" اغلب در ایالات متحده آمریکا استفاده می شود، جایی که بازار غالب است و جایی که سازمان های شهروندی با مزایای مالی پاداش می گیرند (لوئیس، ۲۰۱۰). بدین معنی که دست یافتن به درآمد و سود و انجام فعالیتهای تجاری و صنفی انتفاعی بمنظور تقسیم منافع بین اعضا، مؤسسان، مدیران و کارکنان هدف سازمان نباشد، هرچند که این ویژگی، سازمان مردم نهاد را از دست یابی به درآمد برای اداره امور خود باز نمی دارد (شهاب و همکاران، ۱۳۹۳).

• **ویژگی غیرسیاسی:** این سازمانها افزون بر غیرانتفاعی بودن، غیرسیاسی هم هستند ورود سمن ها به کارهای سیاسی نه تنها موجب دور شدن آنها از اهداف اصلی سازمان خواهد بود، بلکه آنها را بسان احزاب سیاسی معرفی خواهد کرد پس ویژگی بارز دیگر این سازمان ها غیرسیاسی بودن است (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۴).

فعالیت سازمان‌های غیر دولتی (NGOS)

از دهه ۱۹۹۰، سازمان‌های غیردولتی توسعه بین‌المللی در چشم انداز کمک‌های بین‌المللی، نهادینه کردن و ترویج آرمان‌های انسانی جهانی شده‌اند (دانانی، ۲۰۱۸). سازمان‌های غیردولتی مدافع یک گروه خاص از *NGN*‌های بین‌المللی هستند (آلداشف و ناوارا، ۲۰۱۸). سازمان‌های غیردولتی برای دو فعالیت متفاوت، اما مرتبط با یکدیگر، شناخته شده هستند: ارائه خدمات به افراد نیازمند و سازماندهی حمایت از سیاست و کمپین‌های عمومی در پی تحول اجتماعی. سازمان‌های غیردولتی نیز در طیف گسترده‌ای از نقش‌های تخصصی دیگر مانند دموکراسی، حل منازعات، کار حقوق بشر، حفظ فرهنگ، فعالیت‌های زیست محیطی، تجزیه و تحلیل سیاست، تحقیق و ارائه اطلاعات فعالیت می‌کنند (لوئیس، ۲۰۱۰). فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی معمولاً بر اساس ارزش‌های اخلاقی (لوئیس، ۲۰۱۰) و با هدف افزایش رفاه جامعه یا هدف قرار دادن گروه‌های اجتماعی است، و این امر برای شهروندان خود، مشارکت در فعالیت‌های خود، به طور مستقیم به مشکلات موجود در جامعه و مشارکت در فعالیت‌های شهروندان کمک می‌کند (سیلینسکیت، ۲۰۱۳).

ارتباط دولت با سازمان‌های غیردولتی

سازمان‌های دولتی و غیردولتی در صورت برقراری تعامل درست می‌توانند باعث شکل‌گیری و تقویت سرمایه اجتماعی گردند. بنابراین تشویق تشکیل نهادهای مدنی، تقویت آموزش‌های گروهی، استفاده موثر از رسانه‌های ارتباطی، اصلاح الگوهای رفتاری کارکنان و مدیران، پایبندی به اخلاقیات، توجه به مصلحت عامه و از همه مهم‌تر، بسترسازی فرهنگی توسط دولت می‌تواند باعث تقویت نهادهای غیردولتی گردد (کاوسی، ۱۳۹۲). ساختارهای دولتی باید از نظر محتوایی و شکلی مردم‌سالار شوند و به توانمندسازی کارکنان، شهروندان و مخاطبان خود بپردازند. این توانمندسازی با مشارکت نضح می‌گیرد و توسعه می‌یابد. براین اساس، امروزه مشارکت مردم در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزش‌یابی کلیه برنامه‌های توسعه‌ای از اصول مدیریتی محسوب و بر ساختاریافتگی و نظام‌مندی آن تاکید می‌شود. بدیهی است که مشارکت وسیع و همگانی مردم نیازمند ساختار و چارچوب مشخص و از پیش تعیین شده‌ای است که روابط دولت و ملت را به روشنی ترسیم و ضابطه‌مند نمایند. برای ساخت‌دهی به این مشارکت‌ها و تنظیم هرچه بهتر روابط دولت و ملت، سازمان‌های غیردولتی نقش و اهمیت ویژه‌ای دارند (خیری، ۱۳۹۷). برقراری ارتباط سالم بین دولت و

4 - Dhanani

5 Alashe and Navarra



سازمان‌های غیردولتی تنها زمانی امکان‌پذیر است که هر دو دارای هدف مشترکی باشند. گوردن کر و ویس^۶ سه نوع رابطه را میان سازمان‌های غیردولتی و حکومت شناسایی می‌کنند: نخست، سازمان‌های غیردولتی که حکومت آنها را سازماندهی می‌کند. این دسته در کشورهای جهان سوم به منظور در اختیار گرفتن کمک‌های روزافزونی که به سوی سازمان‌های غیردولتی سرازیر می‌شود، بوجود می‌آیند. دوم، سازمان‌های شبه غیردولتی، این دسته در کشورهای صنعتی بوجود آمده‌اند و عمده درآمدشان را از محل خزانه عمومی کسب می‌کنند. سوم، سازمان‌های غیردولتی سازمان‌دهی شده از سوی اعطاکندگان کمک‌های مالی بین‌المللی (رازقی و لطفی خاچکی، ۱۳۹۷).

توسعه

توسعه در مفهوم کلی آن به معنای بهبود سطح مادی و معنوی جامعه بشری و ایجاد شرایط مناسب برای و زندگی سالم همه اعضای جامعه است (عبافت^۷ و همکاران، ۲۰۱۳). و بهبود همه ابعاد و جنبه‌های حیات انسانی است، یعنی توسعه‌ای که همه ابعاد جامعه را در همه ابعاد زندگی متأثر می‌سازد و در عین حال از منابع در اختیار به شکل عقلایی استفاده کند (حیدری ساربان، ۱۳۹۶). با این حال، توسعه یک مسئله‌ی یک بعدی نیست بلکه توسعه می‌تواند شامل افزایش مقدار و کارایی تولید، افزایش سهم بخش صنعتی در درآمد ملی و صادرات، تغییرات ساختاری مثبت و بهبود در زمینه‌های اجتماعی، زیرساخت‌های فرهنگی و سازمانی (بهداشت، آموزش، گردشگری، محیط زیست، مدیریت منابع طبیعی و غیره) باشد (ایلماز^۸ و همکاران، ۲۰۱۰). دستیابی به توسعه و بهبود کیفیت زندگی، از آرمان‌هایی است که ذهن بشر را به خود مشغول نموده است. توسعه زمانی تحقق می‌یابد که از تمامی عوامل، امکانات و منابع تولید کشور استفاده بهینه به عمل آید. یکی از این منابع و عوامل تولیدی، نیروی انسانی است. نیروی انسانی و جمعیت فعال هر جامعه، نقش بسزایی در فرآیند تولید دارد و به عنوان پدیدآورنده‌ی اصلی ثروت و محرک مستقیم اقتصاد محسوب می‌شود (قادرمزی، ۱۳۹۴). هدف توسعه، پرورش قابلیت‌های انسان و گسترش امکانات اوست. برخورداری انسان از زندگی طولانی، سالم و اخلاق در محیط غنی و در جامعه مدنی دموکراتیک، هدف نهایی توسعه است (علیخانی و همکاران، ۱۳۹۱).

6- Gordon Crewe and Weiss

7 -Abafat et al

8- İlmaz et al

توسعه انسانی

توسعه انسانی یکی از نظریه‌های متأخر توسعه است که از دهه ۱۹۹۰ به بعد مقبولیت عام یافته است. بر اساس این دیدگاه، برخورداری انسان از زندگی طولانی، سالم، و خلاق هدف نهایی توسعه است (شیرزادی، ۱۳۹۴). با توجه به برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP)، توسعه انسانی "در مورد ایجاد محیطی است که مردم می‌توانند توانایی بالقوه خود را توسعه دهند و زندگی خلاقانه را با توجه به نیازها و منافع خود هدایت کنند (هوی^۹ و همکاران، ۲۰۱۵). انسان، هدف توسعه و در عین حال محور توسعه است و مفهوم توسعه انسانی را در مرکز الگوهای توسعه قرار می‌دهد نه در حاشیه آن. توسعه انسانی یک دیدگاه مشترک با حقوق بشر دارد. هدف، آزادی انسان است و این آزادی حیاتی است (محمدعلیخانی و همکاران، ۱۳۹۱). به عنوان دستاورد متوسط سه بعد توسعه انسانی تعریف شده است: یک زندگی طولانی و سالم (براساس امید به زندگی در هنگام تولد)، آگاه بودن (براساس میانگین و سال‌های انتظار تحصیل)، و داشتن یک استاندارد مناسب زندگی (بر اساس درآمد ناخالص ملی در سرانه) (فیدلر^{۱۰} و همکاران: ۲۰۱۸) و به جای تمرکز بر ابزار به اهداف پیشرفت و توسعه تاکید دارد. توسعه انسانی به مفهوم فرایند گسترش حیطه انتخاب افراد و بهبود رفاه آنهاست. مهم‌ترین ابعاد توسعه انسانی زندگی طولانی و سالم، دانش و استانداردهای زندگی آبرومندانه هستند (طهماسبی، ۱۳۹۱).

توسعه پایدار

توسعه پایدار مفهومی است که در سال‌های اخیر به عنوان یک مسئله جهانی به آن نگریده شده است. این مفهوم، از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته و نهادهای بسیاری کوشیده‌اند از آن به عنوان راهبردی مناسب جهت مقابله با چالش‌هایی، نظیر افزایش جمعیت، تخریب زیست محیطی، محدودیت منابع، نابرابری اجتماعی-اقتصادی، بیکاری، فقر و ناهنجاری‌های اجتماعی استفاده کنند. مفهوم توسعه پایدار به طور رسمی از سال ۱۹۸۷، پس از طرح و پذیرش آن در مجمع عمومی سازمان ملل رایج شد (شایان و همکاران، ۱۳۹۰). و برای پاسخ به معضلات اقتصادی، محیط زیستی و اجتماعی دنیای امروز از سوی دانشمندان مطرح و به طور گسترده توسط دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی، مورد پذیرش قرار گرفته است (سلطانی‌پور و دماری، ۱۳۹۵).

9 -Hou et al

1 - Fidler et al

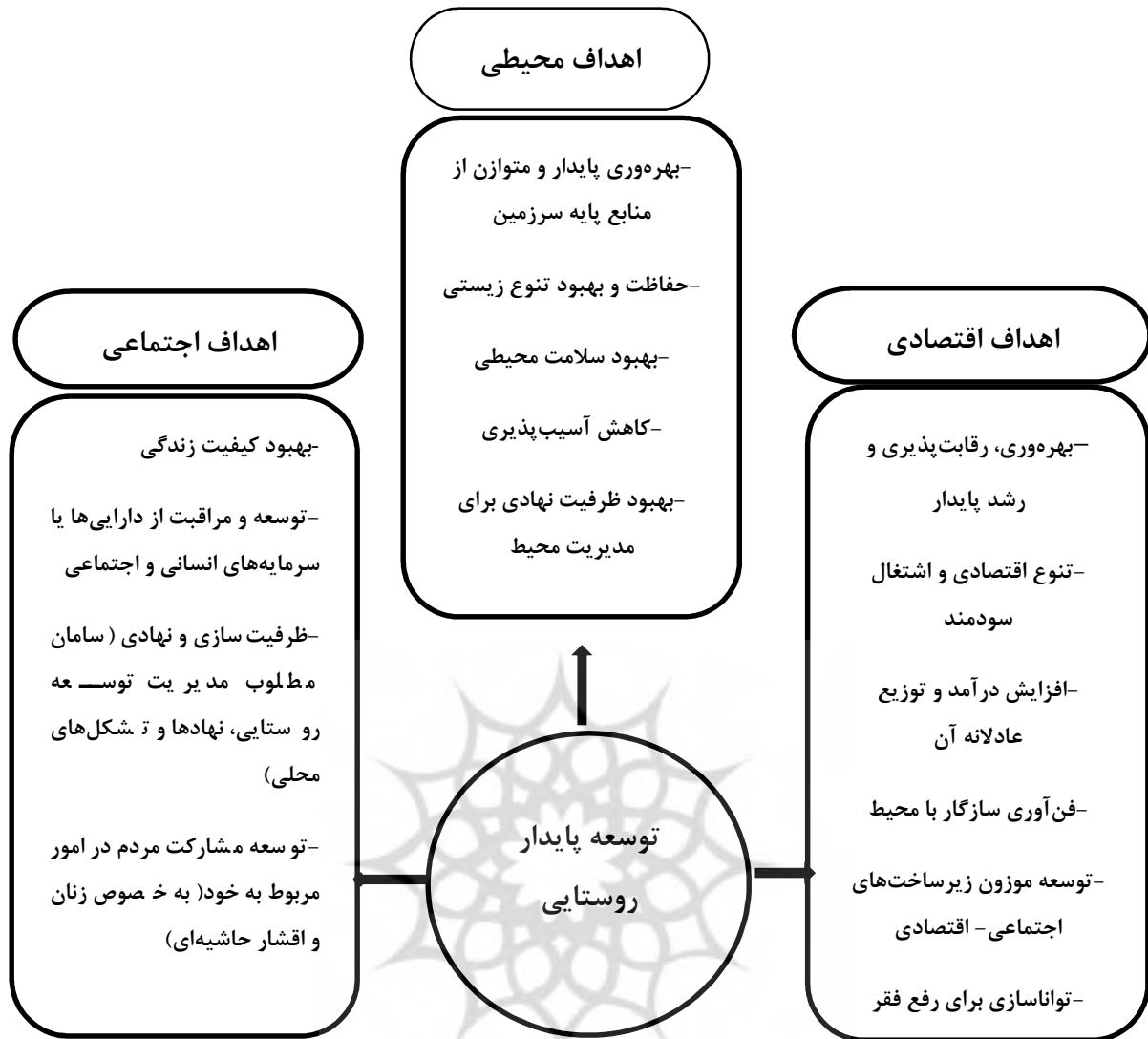
اهداف و ابعاد توسعه پایدار

توسعه پایدار برآیند انگاره‌های مختلف توسعه است و به جای تمرکز بر جنبه اقتصادی و کمی توسعه، فلسفه‌ای از ابعاد اجتماعی و زیست محیطی را با بُعد اقتصادی طراحی می‌کند. با توجه به شکل ۱ در توسعه پایدار، سه هدف (اقتصادی، اجتماعی، و زیست محیطی) و بر مبنای آن‌ها سه محیط اصلی وجود دارد که عبارتند از: ۱. محیط اقتصادی ۲. محیط اجتماعی و ۳. محیط طبیعی و در پی آن سه بُعد اقتصادی، اجتماعی، و زیست محیطی طرح می‌شود در غالب مستندات، توسعه پایدار بر مبنای همین سه هدف تعریف و ترسیم می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۵).

توسعه پایدار روستایی

توسعه پایدار روستایی از اصول و اهداف غایی پروژه‌ها، سیاست‌ها و طرح‌های توسعه‌ای در مناطق روستایی است. توسعه پایدار روستایی عبارت است از مدیریت و حفظ منابع طبیعی موجود روستا و جهت‌دهی به تغییرات فنی و نهادی، به شیوه‌ای که برآورده‌سازی مستمر نیازهای بشری چه در زمان حاضر و چه در آینده، برای مردم روستا تضمین شود (اژدری فرد و احمدوند، ۱۳۹۰). با این نگرش، توسعه پایدار روستایی عبارت است از فرایند کمک به مردم روستایی از طریق اولویت‌بندی نیازهای شان، فعال نمودن آنان و سرمایه‌گذاری در زمینه ایجاد زیرساخت‌ها و ارائه خدمات اجتماعی، برقراری عدالت و برابری می‌باشد (احمدی و سجادی، ۱۳۹۱).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱: ابعاد توسعه پایدار روستایی (منبع: محمدنژاد حصاری، ۱۳۸۷).

توسعه پایدار به معنی تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی برای حداکثر سازی رفاه انسان فعلی بدون آسیب به توانایی‌های نسل‌های آتی برای برآوردن نیازهایشان می‌باشد (سلطانی‌پور و دمار، ۱۳۹۵). در این راستا توسعه پایدار روستایی فرآیندی است که در عین داشتن مختصات یاد شده در رابطه با توسعه پایدار، ارتقای همه جانبه حیات روستایی را از طریق زمینه‌سازی فعالیت‌های سازگار با قابلیت‌ها و تنگناهای محیطی مورد تاکید قرار می‌دهد. واژه محیط می‌تواند در مفهوم گسترده آن اعم از محیط اقتصادی، محیط اجتماعی، محیط ساخته شده و محیط طبیعی باشد (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۹۰).

نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه پایدار روستایی

سازمان‌های غیر دولتی در همه کشورها یکی از عوامل کلیدی در توسعه هستند (سیلینسکیت، ۲۰۱۳). و در حال حاضر به عنوان بازیگران کلیدی بخش سوم در چشم انداز توسعه، حقوق بشر، اقدامات بشردوستانه، محیط زیست و بسیاری دیگر از اقدامات عمومی از اقدامات بازسازی در حال توسعه در کشور تبدیل شده است و از اواخر دهه ۱۹۸۰، سازمان‌های غیر دولتی نقش بسیار مهمی در توسعه ایفا کردند (لوئیس، ۲۰۱۰). تا بتوان از قدرت این گونه سازمان‌ها در نیل به اهداف افزایش داد. امروزه شعار بسیاری از برنامه‌ریزان و مدیران شهری دنیا، پیروی از جمله «برنامه‌ریزی با مردم نه برنامه ریزی برای مردم است» که به تبع آن دنبال روش‌های مختلف جذب مشارکت مردم در برنامه‌ریزی و تفویض برخی امور به مردم می‌باشند (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷). مردم در انتخاب‌های خود و مشارکت در تصمیماتی که بر زندگی آنها تأثیر می‌گذارد، باید آزاد باشند و به تضمین رفاه زندگی و منزلت همه مردم کمک نموده و عزت نفس و احترام به دیگران را ایجاد می‌نماید (علیخانی و همکاران، ۱۳۹۱). توسعه نواحی روستایی به همراه شناخت قابلیت‌ها و تنگناهایی که فراراه آن وجود دارد، یکی از محورهای اصلی برنامه‌های توسعه محیطی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در کشورهای مختلف جهان، قلمداد می‌شود و در نتیجه توسعه روستایی یک ضرورت بنیادی برای توسعه محلی است که در هر سرزمینی به برنامه‌ریزی هماهنگ نیازمند است. در این راستا برای نیل به توسعه پایدار به عنوان پارادایم غالب توسعه در عصر حاضر، تبیین و علت‌یابی موانع موجود در راه توسعه بیش از هر پارامتر دیگری ضرورت دارد (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۹۰). و توسعه پایدار برای پاسخ به معضلات اقتصادی، محیط زیستی و اجتماعی دنیای امروز از سوی دانشمندان مطرح و به طور گسترده توسط دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی، شرکت‌های تجاری سازمان‌های غیر دولتی مورد پذیرش قرار گرفته است (سلطانی‌پور و دماری، ۱۳۹۵). امروزه سازمان‌های مردم‌نهاد بخشی از مسئولیت‌های عمومی دولت‌ها در مواردی از قبیل بهداشت و درمان، آموزش، مبارزه با بی‌سوادی، مبارزه با فقر و نابرابری، حفاظت از محیط زیست را به ویژه در مناطق روستایی عهده دارند و تجربیات در کشورهای گوناگون نشان از کارا و مؤثر بودن این فعالیت‌ها از سوی آنان بوده (شهاب و همکاران، ۱۳۹۳). سازمان‌های غیردولتی می‌توانند منبع نوآوری، تجربه کردن و آزمودن رویکردهای نوین در قبال مسائل توسعه باشند. که از طریق بسیج منابع و انرژی در خدمات اجتماعی و توسعه می‌توانند نقش بسیار مهمی در توسعه داشته باشند (کیانی و ایروانی، ۱۳۹۷).

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

امروزه یکی از راه‌های موثر در توسعه‌ی همه‌جانبه نواحی روستایی استفاده از مشارکت و توانمندی‌های مردمی است. مهم‌ترین شکل این مشارکت تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد و غیردولتی است. سازمان‌های غیردولتی سازمان‌های خصوصی، غیرانتفاعی و غیرسیاسی هستند که برای تأمین اهداف گسترده‌ای در زمینه توسعه پایدار، محیط زیست، کاهش فقر، گسترش برابری، عدالت و دفاع از حقوق بشر فعالیت می‌کنند. به همین دلیل باید بسترهای مطلوبی برای فعالیت این سازمان‌ها فراهم شود تا بتوان به سوی توسعه پایدار روستایی گام برداشت و دولت در کنار سازمان‌های دولتی، با بسترسازی مناسب و حمایت منطقی و پاسخ‌گو، شکل‌دادن ارتباطات و تعامل سازنده، زمینه کارآمدی و پایداری این سازمان‌ها را برای حرکت به سمت اهداف توسعه فراهم می‌کند و سازمان‌های غیردولتی با فراهم ساختن شرایط تجربه زندگی و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری، وظیفه‌شناسی، فراهم ساختن شرایط مشارکت عمومی در توسعه فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، باعث کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی می‌شوند. بنابراین لازم است که هم سازمان‌های مردم‌نهاد در پویایی، بالندگی و مدیریت مناسب و ارائه خدمات مطلوب به هم‌نوعان تلاش کنند و هم دولت و مسئولین در این مسیر به آنها کمک کنند. سازمان مردم‌نهاد از آنجا که بر پایه خدمت‌رسانی به انسان‌ها شکل گرفته است می‌تواند در کنار نظام سیاسی، محقق‌کننده این اهداف باشد. در این راستا برای تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد، پیشنهاداتی به صورت زیر ارائه می‌شود.

- شناسایی و رفع مشکلات از ضروریات بسترسازی برای موفقیت این سازمان‌هاست.
- تنظیم برنامه مشخص و مدون جهت بسترسازی مناسب برای فعالیت این سازمان‌ها به بهبود و گسترش فعالیت آنها کمک می‌کند.
- تشکیل سازمان‌های غیردولتی می‌تواند زمینه اشتغال و کارآفرینی منطقه را فراهم کرد.

منابع

- احمدی، فاطمه و سجادی، اشرف. ۱۳۹۱. بررسی مولفه‌های بازدارنده توسعه پایدار روستایی از دیدگاه کارشناسان، مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال پنجم، شماره ۳، صص ۸۰-۶۹.
- اژدری‌فرد، فاطمه و احمدوند، مصطفی. ۱۳۹۰. واکاری عملکرد شوراهای اسلامی در مسیر توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: شهرستان سمیرم)، پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره سوم، صص ۷۵-۹۸.



- جلالی، محمد، حجازی، یوسف، رضوان‌فر، احمد و پورطاهری، مهدی. ۱۳۹۴. تحلیل چالش‌های فرآوری سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی استان کردستان، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۸، شماره ۳، صص ۱۰۷-۸۵.
- چکنی، مصطفی و حسنی، محمدحسن. ۱۳۹۷. راهبردهای مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری (نقد و تحلیل ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری)، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و پنجم، شماره نود و چهار، صص ۳۶۷-۳۴۱.
- حیدری ساربان، وکیل. ۱۳۹۶. سنجش و رتبه‌بندی سطح توسعه یافتگی اجتماعی مناطق روستایی شهرستان مشگین‌شهر. مجله آمایش جغرافیایی فضا، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه گلستان سال هفتم، شماره بیست و سوم، صص ۱۳۴-۱۲۳.
- خیری، محمد. ۱۳۹۷. سازمان‌های مردم‌نهاد و مدیریت مشارکت محور: با تأکید بر ارائه مدلی غیر بوروکراتیک برای مدیریت مالی و جغرافیایی بحران‌های زیست‌محیطی کلان‌شهرهای ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای) سال هشتم، شماره ۲، صص ۲۴۷-۲۲۵.
- ذوالفقاری، ابوالفضل، صابردمیرچی، حسین و باقری‌بنجار، عبدالرضا. ۱۳۹۶. بازنمایی جامعه مدنی در مطبوعات (تحلیل گفتمان جامعه مدنی در مطبوعات ایران در دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره سوم، صص ۷۷-۴۳.
- رازقی، نادر و لطفی‌خاچکی، بهنام. ۱۳۹۷. تحلیل جامعه‌شناختی چالش‌های بقا و پایداری سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی؛ با تأکید بر رابطه آنها با دولت. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره پنجم، شماره ۱۱، صص ۱۲۲-۹۳. مطالعات فرهنگی
- رزمی، محمدجواد، صدیقی، سمیه و رضاییان، سمانه. ۱۳۹۴. الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی. دو فصلنامه علمی تخصصی پژوهش‌های اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی، سال چهارم، شماره دوم، صص ۷۵-۵۱.
- رضایی، محسن، بابایی، فرزاد و بهمن‌پور، هومن. ۱۳۹۷. ارزشیابی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های مؤثر بر جذب و ارتقای مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOS) در فرایند مدیریت پسماند، فصلنامه علمی پژوهشی، آموزش محیط زیست و توسعه پایدار، سال هفتم، شماره اول، صص ۱۰۲-۸۷.
- رمضانی‌قوام‌آبادی، محمدحسین. ۱۳۹۴. مطالعه تطبیقی وضعیت حقوقی سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران و فرانسه، از تاسیس تا فعالیت، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶، شماره ۲، صص ۵۶۷-۵۴۱.

- سلطانی پور، فرزانه و دماری، بهزاد. ۱۳۹۵. وضعیت توسعه پایدار در ایران، مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دوره ۱۴، شماره چهارم، صص ۱-۱۴.
- شایان، حمید، حسین‌زاده، سیدرضا و خسروبیگی، رضا. ۱۳۹۰. ارزیابی پایداری توسعه روستایی مطالعه موردی: شهرستان کمیجان، جغرافیا و توسعه، شماره ۲۴، صص ۱۲۰-۱۰۱.
- شکوری، علی. ۱۳۹۰. مشارکت‌های اجتماعی و سازمان‌های حمایتی (با تأکید بر ایران)، سازمان مطالعه تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، صص ۱-۲۷۶.
- شهاب، محمدرضا، عزیزپور، کاظم و حاجی زاده، بهادر. ۱۳۹۳. بررسی نظری نقش سازمان‌های مردم نهاد در روند توسعه پایدار: با تأکید بر توسعه روستایی، دومین همایش ملی رویکردی بر حسابداری، مدیریت و اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد فومن و شفت ۲۳، صص ۱-۱۴.
- شیرزادی، رضا. ۱۳۹۴. عوامل توسعه انسانی در امارات متحده عربی، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره دوم، صص ۱۲۴-۱۰۷.
- طهماسبی، جواد. ۱۳۹۱. شاخص توسعه انسانی و مقام ایران در جایگاه جهانی، مرکز تحقیقات استراتژیک، گزارش راهبردی، شماره ۱۵۹، صص ۱-۴۰.
- عبدالمی، محسن و بشری موسوی، مهشید. ۱۳۹۴. نقش سازمان‌های جامعه مدنی در فقرزدایی، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پانزدهم، شماره ۵۹، صص ۷-۳۷.
- فیروزآبادی، سیداحمد و جعفری، محسن. ۱۳۹۵. مطالعه قابلیت‌های سازمان‌های مردم نهاد بومی دین محور در حل چالش‌های پیش‌روی توسعه اجتماع محور روستایی «مورد مطالعه: گروه جهادی طلاب عباد»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی، الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، سال چهارم، شماره هفتم، صص ۱۵۳-۱۷۳.
- قادرمزی، حامد. ۱۳۹۴. برنامه‌ریزی راهبردی توسعه اشتغال در نواحی روستایی شهرستان جوانرود، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۱، صص ۱۳۰-۱۰۹.
- قاسمی، مریم. ۱۳۹۵. تبیین رابطه جمعیت و توسعه پایدار روستایی. مطالعه موردی: شهرستان مشهد، مجله آمایش جغرافیایی فضا، فصلنامه علمی- پژوهشی دانشگاه گلستان، سال ششم، شماره مسلسل بیست و یکم، صص ۲۷-۴۴.



- قدیری معصوم، مجتبی، غفاری گیلاننده، عطا و احدی، محتشم. ۱۳۹۰. تحلیل شکاف در فرآیند توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: روستاهای دهستان گوگ تپه، شهرستان بيله سوار، چشم انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، سال ششم، شماره ۱۷، صص ۱-۱۶.
 - کاوسی، اسماعیل. ۱۳۹۲. توسعه سرمایه اجتماعی و نقش آن در تحقق اهداف چشم انداز، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم، شماره اول، صص ۸۹ - ۷۱.
 - کیانی، گشتاسب و ایروانی، ابوالفضل. ۱۳۹۷. نقش سازمانهای غیردولتی (NGO)ها در توسعه صنعت توریسم با تاکید بر استان چهار محال و بختیاری، معماری شناسی، نشریه اختصاصی معماری و شهرسازی ایران، سال اول، شماره ۲، صص ۹ - ۱.
 - محمدعلیخانی، سلیمه، آصفزاده، سعید، محبی فر، رفعت و منتظری، علی. ۱۳۹۱. بررسی شاخص توسعه انسانی (HDI) در ایران و کشورهای منتخب، فصلنامه پایش، سال یازدهم، شماره چهارم، صص ۴۲۳-۴۱۵.
 - مرادی، ابراهیم. (۱۳۹۴). بررسی نقش و جایگاه سازمانهای مردم نهاد در توسعه روستا، اولین کنفرانس سالانه تحقیقات کشاورزی ایران، موسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی، شیراز، ۳۱ تیرماه ۱۳۹۴.
 - ملکزاده، امیر و هاشمی، سیدمحمد. ۱۳۹۵. ویژگی های جامعه مدنی در ارتباط با تحقیقات پلیسی، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال هشتم، شماره چهارم، صص ۱۱۴-۸۵.
 - وروایی، اکبر، محمدی، همت و نوریان، ایوب. ۱۳۹۵. مشارکت سازمان های مردم نهاد در فرایند کیفی، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفی، شماره ۲۸، صص ۴۴ - ۲۷.
- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- Abafat, S., Nazmfar, H., & tagi Masoumi, M. (2013). *Analysis of Development Degree of the Cities Using TOPSIS Technique (Case study: Ardabil Province)*.
 - Aldashev, G., & Navarra, C. (2018). *Development NGOs: Basic facts. Annals of Public and Cooperative Economics, 89(1), 125-155.*
 - Dhanani, A. (2018). *Identity constructions in the annual reports of international development NGOs: Preserving institutional interests?. Critical Perspectives on Accounting.*
 - Fidler, M. M., Bray, F., & Soerjomataram, I. (2018). *The global cancer burden and human development: A review. Scandinavian journal of public health, 46(1), 27-36.*

- Hou, J., Walsh, P. P., & Zhang, J. (2015). *The dynamics of human development index. The Social Science Journal*, 52(3), 331-347.
- Lewis, D. (2010). *Nongovernmental organizations, definition and history. In International encyclopedia of civil society (pp. 1056-1062). Springer, New York, NY.*
- Šilinskytė, A. (2013). *Nevyriausybių organizacijų veikla ir vaidmuo Lietuvoje.*
- Yilmaz, B., Dasdemir, I., Atmis, E., & Lise, W. (2010). *Factors affecting rural development in Turkey: Bartın case study. Forest Policy and Economics*, 12(4), 239-249.
- Yousaf, M., Ihsan, F., & Ellahi, A. (2016). *Exploring the impact of good governance on citizens' trust in Pakistan. Government Information Quarterly*, 33(1), 200-209.

